

The Relationship between Identity Styles and Spiritual Intelligence with Emotional Divorce in Married Students

SheikhNejad H¹, Saemi H^{*2}, Akbari Daghi H²

1. MSc counseling, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

2. Department of Psychology and Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

*Corresponding author. Tel: +98912 2318720, E-mail: saemi_61@yahoo.com

Received: Aug 29, 2017 Accepted: Dec 1, 2017

ABSTRACT

Background & aim: In recent years, the ominous phenomenon of the emotional divorce has shaken the foundation of families and consequently the moral and social foundations of the whole society. This phenomenon diverted the society into various problems. The purpose of this study was to determine the relationship between identity styles and spiritual intelligence with emotional divorce in married students of the Islamic Azad University of Gonabad.

Methods: This study was conducted using the descriptive and correlational design. The statistical population of this study was all married students studying at the Islamic Azad University of Gonabad. The sample size was 313 people (160 males and 153 females) who were selected by available sampling method. The data were collected using questionnaire of Berzonsky Identity Styles Questionnaire, King's Spiritual Intelligence Scale, and Gottman Emotional Divorce Questionnaire. Data analysis was performed using Pearson correlation coefficient and regression analysis.

Results: Findings indicated that the information identity style ($r=-0.264$), normative ($r=-0.154$), confusion-avoidance ($r=0.138$), commitment ($r=-0.181$), and spiritual intelligence ($r=-0.181$) were correlated with emotional divorce. In addition, regression analysis results were significant for predicting emotional divorce based on identity styles and spiritual intelligence.

Conclusion: It can be concluded that style of identity and spiritual intelligence are effective factors in emotional divorce. Therefore, studying the type of identity style and spiritual intelligence of couples can provide useful information to family counselors and psychologists.

Keywords: Identity Styles, Spiritual Intelligence, Emotional Divorce, Student

رابطه سبک‌های هویت و هوش معنوی با طلاق عاطفی در دانشجویان متاهل

حسن شیخ نژاد^۱، حسن صائمی^{۲*}، حمزه اکبری داغی^۲

۱. کارشناس ارشد مشاوره، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران
 ۲. گروه روانشناسی و علوم تربیتی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران
 * نویسنده مسئول. تلفن: ۰۹۱۲۲۳۱۸۷۲۰ ایمیل: saemi_61@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: پدیده شوم طلاق عاطفی، بنیاد خانواده و به تبع آن بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام را متزلزل کرده و جامعه را به سمت مشکلات گوناگون سوق می‌دهد. این پژوهش با هدف تعیین رابطه بین سبک‌های هویت و هوش معنوی با طلاق عاطفی در دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی شهر گنبد انجام شد.

روش کار: این مطالعه توصیفی همبستگی روی ۳۱۳ نفر (۱۶۰ مرد و ۱۵۳ زن) از دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی شهر گنبد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ انجام گرفت. نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از پرسشنامه‌های سبک هویت برزونسکی، مقیاس هوش معنوی کینگ و پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین سبک هویت اطلاعاتی ($r = -0.264$)، هنجاری ($r = -0.154$)، سردرگم-اجتنابی ($r = -0.138$)، تعهد ($r = -0.181$) و هوش معنوی ($r = -0.181$) با طلاق عاطفی همبستگی وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس سبک‌های هویت و هوش معنوی، معنادار بود.

نتیجه‌گیری: سبک هویت و هوش معنوی، دو عامل تأثیرگذار در طلاق عاطفی دانشجویان محسوب می‌شوند. بنابراین بررسی نوع سبک هویت و میزان هوش معنوی زوجین، اطلاعات مفیدی را در اختیار مشاوران خانواده و روانشناسان قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های هویت، هوش معنوی، طلاق عاطفی، دانشجویان

پذیرش: ۹۶/۹/۱۰

دریافت: ۹۶/۶/۷

مقدمه

بیشتری برخوردار می‌شود. بنابراین از آنجا که خانواده مهمترین نهاد جامعه است و منشأ جامعه سالم، خانواده سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن، از امور مهم می‌باشد (۳). یکی از مهمترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن، آمار بزرگتری به طلاق عاطفی^۱ اختصاص دارد. در واقع برخی ازدواج‌ها با

اساس تشکیل خانواده در نظام الهی رسیدن به آرامش روان، آسایش خاطر، رسیدن به کمال انسانی و تقرب الهی است (۱). صاحب‌نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام‌های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه، ضرورت تام دارد (۲). روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام

^۱ Emotional Divorce

و باورها می‌کنند و افراد دارای سبک سردرگم-اجتنابی، اهمال کار هستند، در مواقع تصمیم‌گیری، ترس و اضطراب دارند و از راهبردهای نامناسب مانند اجتناب، بهانه‌آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند (۹،۱۰). کریمیان و همکاران در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که بین ترس از صمیمیت و تعهد زناشویی، همبستگی منفی وجود دارد و متغیرهای تعهد اطلاعاتی و تعهد سردرگم-اجتنابی می‌توانند تبیین‌کننده تعهد زناشویی در افراد باشند (۱۱). نتایج یافته‌های موسوی نیز نشان داد که پایگاه‌های هویتی و نگرش به عشق، قابلیت پیش‌بینی طلاق عاطفی را دارند (۱۲).

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار در بروز طلاق عاطفی در خانواده‌ها، هوش معنوی فرد است که سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند (۱۳). هوش معنوی، بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و منابع معنوی می‌باشد که کاربرد آن در زندگی روزانه موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد می‌شود. در تعریف این واژه به خصوص بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره، تاکید شده است (۱۴). هوش معنوی موجب می‌شود که انسان با ملایمت بیشتری به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه حل داشته باشد و سختی‌های زندگی را بهتر تحمل کند (۱۵). چگونگی روابط زوجین در خانواده، نقش بسزایی در سلامت و ادامه زندگی آنها در جامعه داشته و شناخت هر عامل تهدیدکننده رابطه زوجین، از اهمیت اساسی برخوردار است. با توجه به اینکه طلاق عاطفی یکی از مهمترین تهدیدها برای خانواده‌ها است که در صورت بی‌توجهی به این مقوله و نداشتن راهکارهای مناسب جهت مقابله با آن، می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به خانواده و جامعه وارد کند، لذا شناخت عوامل موثر بر آن حائز اهمیت می‌باشد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف

طلاق پایان پیدا نمی‌کنند، بلکه به ازدواج‌های توخالی که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند تبدیل می‌شوند (۴). طلاق عاطفی، اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی است که احساس بیگانگی، جایگزین آن می‌شود (۵) و طرفین هیچ عشق و صمیمیتی نسبت به یکدیگر نداشته و از مجاورت با یکدیگر لذتی کسب نمی‌نمایند (۶). چارلز^۱ و همکاران، طلاق عاطفی را یک پدیده چندعاملی دانسته و نشان دادند که بعد از ازدواج، با به هم خوردن تصورات و انتظارات افراد از یکدیگر، پیوندهای عاطفی بین آنها شکست می‌خورد و به طلاق عاطفی منجر می‌شود (۷). یکی از عوامل موثر در بروز طلاق عاطفی زوجین، ابعاد شخصیتی و سبک هویت^۲ آنها می‌باشد. تشکیل هویت، مهم‌ترین جنبه رشد روانی و اجتماعی انسان محسوب می‌شود و انتخاب ارزش‌ها، اعتقادات و اهداف زندگی، خصوصیات اصلی هویت را در دوران نوجوانی و جوانی شکل می‌دهند. شکل‌پذیری و پذیرش هویت فرد، تکلیفی دشوار و اضطراب‌زاست. افرادی که به هویتی قوی دست می‌یابند، برای رویارویی با مسائل بزرگسالی آماده می‌شوند و برعکس، افرادی که نمی‌توانند به چنین هویتی برسند، دچار بحران هویت شده و از مسیر بهنجار زندگی، تحصیل، شغل و ازدواج کناره‌گیری می‌کنند (۸). سبک‌های مختلف هویت می‌توانند نقش اساسی در میزان سازگاری افراد در روابط بین فردی، ایفا نمایند. انواع سبک‌های هویتی عبارتند از: اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی. افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، فعالانه به جستجو و ارزیابی می‌پردازند و اطلاعات مناسب را مورد استفاده قرار می‌دهند. افراد دارای سبک هنجاری، در مواجهه با مسائل به شیوه‌ای واکنشی و هماهنگ با انتظارات گروه‌ها و دیگران عمل می‌کنند و بدون خودارزیابی، شروع به درونی‌سازی ارزش‌ها

¹ Charls

² Identity Style

تعیین رابطه بین سبک‌های هویت و هوش معنوی با طلاق عاطفی دانشجویان متأهل انجام گرفت.

روش کار

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی همبستگی بود که روی ۳۱۳ نفر (۱۶۰ مرد و ۱۵۳ زن) از جمعیت دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی شهر گنبد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ انجام گرفت. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان تعیین و نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سبک‌های هویت برزونسکی^۱، هوش معنوی کینگ^۲ و طلاق عاطفی گاتمن^۳ استفاده شد. پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی در سال ۱۹۹۰ ساخته شد. این پرسشنامه یک مقیاس ۴۰ سؤالی است که ۱۱ سؤال مربوط به مقیاس هویت اطلاعاتی، ۹ سؤال مربوط به مقیاس هویت هنجاری، ۱۰ سؤال مربوط به مقیاس هویت سردرگم یا اجتنابی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به میزان تعهد فرد در هنگام اجرای پرسشنامه است که برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود. پرسشنامه از پنج گزینه شامل کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم تشکیل شده است. نمره‌گذاری سوالات ۱، ۱۱، ۹ و ۲۰ به صورت معکوس می‌باشد، به این صورت که کاملاً موافقم نمره ۱ و کاملاً مخالفم نمره ۵ را به خود اختصاص می‌دهند. برزونسکی، ضریب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی را ۰/۷۱، سبک هنجاری را ۰/۶۵، سبک سردرگم-اجتنابی را ۰/۷۵ و تعهد را ۰/۸۷ گزارش کرده است (۱۶). حجازی و همکاران نیز ضرایب آلفای کرونباخ را برای سبک‌های هویت اطلاعاتی

۰/۷۷، هنجاری ۰/۶۰، سردرگم/اجتنابی ۰/۶۶ و تعهد هویت ۰/۶۸ گزارش کردند (۱۷).

پرسشنامه هوش معنوی کینگ، دارای ۲۴ سوال بوده و از ۴ زیرمقیاس تفکر وجودی، آگاهی متعالی، تولید معنای شخصی و بسط حالت هشیاری، تشکیل شده است. هرچه نمره کلی فرد بیشتر باشد، فرد از هوش معنوی بالایی برخوردار است. ضریب آلفای کرونباخ، پایایی کلی پرسشنامه را ۰/۹۲ و خرده مقیاس‌ها را ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ به دست آورده است (۱۸). در مطالعه مشایخی دولت آبادی (۲۰۱۴)، پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۸ به دست آمد (۱۹).

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن، شامل ۱۳ سوال است که به شیوه بلی یا خیر جواب داده می‌شود. میزان جواب‌های بلی بیشتر، نشان دهنده احتمال بالای طلاق عاطفی می‌باشد. روایی این ابزار در پژوهش بیات مختاری تأیید شده است (۲۰). همچنین صلیانی و اصغری، ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۴ گزارش کردند (۲۱).

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، اطلاعات جمع‌آوری‌شده وارد نرم افزار SPSS-17 شدند و با استفاده از آمارهای توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیونی همزمان)، مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

نتایج نشان داد که اکثر شرکت کنندگان در مطالعه (۵۶/۲٪)، در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار داشتند و فقط ۵/۸٪ در گروه سنی بالای ۵۰ سال بودند. جدول ۱ آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که براساس آن، بالاترین میانگین مربوط به سبک‌های هویت (۱۳۹/۴۶±۱۴/۴۲) و پایین‌ترین میانگین مربوط به طلاق عاطفی (۵/۸۵±۴/۹۴) می‌باشد (جدول ۱).

¹ Berzonsky Identity Styles Questionnaire

² King's Spiritual Intelligence Scale

³ Gottman Emotional Divorce Questionnaire

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات سبک‌های هویت، هوش معنوی و طلاق عاطفی دانشجویان شرکت کننده در مطالعه

نوع متغیر	میانگین	انحراف معیار
طلاق عاطفی	۵/۸۵	۴/۹۴
سبک‌های هویت	۱۳۹/۴۶	۱۴/۴۲
هوش معنوی	۵۸/۴۲	۱۵/۰۶

در خصوص رابطه بین سبک‌های هویت و ابعاد آن با طلاق عاطفی، نتایج ضرایب همبستگی نشان داد که بین سبک‌های اطلاعاتی ($r = -0.264$)، هنجاری ($r = -0.154$)، تعهد ($r = -0.181$) و نمره کل سبک

هویت ($r = -0.166$) با طلاق عاطفی، رابطه منفی و معناداری وجود داشت. به طوری که با افزایش نمرات مربوط به هر سبک هویتی، میزان طلاق عاطفی کاهش می‌یافت. اما بین سبک سردرگم-اجتنابی و طلاق عاطفی ($r = -0.138$)، رابطه مثبت و معنی‌داری دیده شد. از بین مولفه‌های سبک هویت با طلاق عاطفی، بیشترین رابطه مربوط به سبک اطلاعاتی و کمترین مربوط به سبک سردرگم-اجتنابی بود (جدول ۲).

جدول ۲. رابطه بین سبک‌های هویت و ابعاد آن با طلاق عاطفی در دانشجویان متاهل شرکت کننده در مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
طلاق عاطفی	۱					
سبک هویت	-0.166^{**}					
سبک اطلاعاتی	-0.264^{**}	0.781^{**}	۱			
سبک هنجاری	-0.154^{**}	0.740^{**}	0.629^{**}	۱		
سبک سردرگم	-0.138^*	0.389^{**}	-0.037	-0.216^{**}	۱	
سبک تعهد	-0.181^{**}	0.458^{**}	-0.404^{**}	-0.282^{**}	0.419^{**}	۱
		$p < 0.01^{**}$			$p < 0.05^*$	

در خصوص رابطه بین ابعاد هوش معنوی با طلاق عاطفی، ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین طلاق عاطفی و همه ابعاد هوش معنوی شامل تفکر وجودی ($r = -0.144$)، تولید معنا ($r = -0.203$)، آگاهی ($r = -0.180$) و بسط ($r = -0.161$)، رابطه منفی و معناداری وجود داشت. بدین معنی که با افزایش میزان هوش معنوی و ابعاد آن، طلاق عاطفی کاهش

پیدا می‌کرد. همچنین در این بین، بیشترین رابطه مربوط به بعد تولید معنا و کمترین مربوط به بعد تفکر وجودی بود (جدول ۳). نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان نشان داد که تقریباً ۵ درصد از واریانس طلاق عاطفی بر اساس سبک هویت و هوش معنوی، قابل تبیین می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۳. ارتباط بین هوش معنوی و طلاق عاطفی در دانشجویان متاهل شرکت کننده در مطالعه

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
طلاق عاطفی	۱					
هوش معنوی	-0.181^{**}	۱				
بعد تفکر وجودی	-0.144^*	0.893^{**}	۱			
بعد تولید معنا	-0.203^{**}	0.836^{**}	0.715^{**}	۱		
بعد آگاهی	-0.180^{**}	0.864^{**}	0.661^{**}	0.702^{**}	۱	
بعد بسط	-0.161^{**}	0.831^{**}	0.673^{**}	0.529^{**}	0.633^{**}	۱
		$p < 0.01^{**}$			$p < 0.05^*$	

جدول ۴. نقش سبک هویت و هوش معنوی در طلاق عاطفی دانشجویان متأهل شرکت کننده در مطالعه

R	مجذور R	مجذور R اصلاح شده	خطای استاندارد برآورد
۰/۲۲۰	۰/۰۴۸	۰/۰۴۲	۴/۸۴

بنابراین می‌توان گفت که مدل رگرسیون انتخاب شده، معنادار بود.

جهت تعیین معناداری مدل رگرسیون از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که طبق جدول ۵ مقدار آماره f برابر با ۷/۸۶ و $p < ۰/۰۱$ به دست آمد.

جدول ۵. معناداری مدل رگرسیون براساس آزمون تحلیل واریانس

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورت	F مقدار	سطح معنی داری
۳۶۹/۶۸۰	۲	۱۸۴/۸۴۰	۷/۸۶	۰/۰۰۰
۷۲۸۶/۲۶۲	۳۱۰	۲۳/۵۰۴		
۷۶۵۵/۹۴۲	۳۱۲			

هستند. ضمن اینکه هوش معنوی، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بالایی دارد (جدول ۶).

نتایج نشان داد که سبک‌های هویت با بتای $-۰/۱۲۹$ ، $t = -۲/۲۵$ ، $p < ۰/۰۵$ و هوش معنوی با بتای $-۰/۱۴۸$ ، $t = -۲/۵۹$ ، $p < ۰/۰۱$ قادر به پیش‌بینی طلاق عاطفی

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی طلاق عاطفی

شاخص‌های آماری متغیرها	ضرایب استاندارد نشده		T	سطح معنی داری
	B	ضرایب استاندارد شده بتا		
مقدار ثابت	۱۴/۸۷	-----	۵/۵۱	۰/۰۰۰
سبک‌های هویتی	-۰/۰۴۴	-۰/۱۲۹	-۲/۲۵	۰/۰۲۵
هوش معنوی	-۰/۰۴	-۰/۱۴۸	-۲/۵۹	۰/۰۱۰

بحث

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه سبک‌های هویت و هوش معنوی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی شهر گنبد بود. نتایج این پژوهش نشان داد که بین سبک‌های هویت و هوش معنوی با طلاق عاطفی دانشجویان متأهل، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون، بیانگر توان پیش‌بینی‌کننده طلاق عاطفی به وسیله سبک‌های هویت و هوش معنوی بود. براساس یافته‌ها بین سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و تعهد با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار و بین سبک سردرگم-اجتنابی و طلاق عاطفی رابطه مثبت و معناداری دیده شد که این یافته‌ها با نتایج کریمیان و همکاران (۱۱) و موسوی (۱۲) همسو می‌باشد.

دلیل اینکه در افراد دارای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد، طلاق عاطفی کمتری اتفاق می‌افتد این است که افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی اغلب در زندگی روزمره از رویکردهای مساله‌مدار استفاده می‌کنند، وظیفه‌شناس هستند، نسبت به اطلاعات مربوط به خود اعتماد دارند و تکالیف و اعمال خود را به تأخیر نمی‌اندازند، همین امر سردی عاطفی را بین زوجین کمتر کرده و روابط عاطفی آنها را بهبود می‌بخشد. همچنین افراد دارای سبک هویت هنجاری از طریق به تعویق انداختن و اجتناب فعالانه از تصمیم‌گیری، شکل دادن تعهد و مذاکره، مشخص می‌شوند. افراد دارای این سبک وظیفه‌شناس و هدفمند، اما بسیار ساختارمند هستند و در برابر اطلاعاتی که با ارزش‌ها و عقاید شخصی‌شان در

تعارض باشند، مقاومت می‌کنند. همین امر باعث تعهد بیشتر به روابط زناشویی و پایبندی بیشتر به ارزش‌ها در روابط زوجین شده و در نتیجه جو عاطفی مثبتی را در خانواده ایجاد می‌کند.

رابطه معنادار و مثبت بین سبک سردرگم/اجتنابی و طلاق عاطفی وجود داشت. یعنی میزان طلاق عاطفی در افراد دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی، بیشتر اتفاق می‌افتد. به نظر می‌رسد افرادی که دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی می‌باشند از برقراری روابط عاطفی صمیمانه و تداوم آن عاجزند. آنها سعی دارند از روبه رو شدن با مسائل و حل آنها تا حد ممکن اجتناب کنند و زمانی هم که آنها مجبور به تصمیم‌گیری شوند، احساسی تصمیم می‌گیرند. همین ویژگی باعث عدم برقراری روابط عاطفی بین زوجین و همچنین عدم شکل‌گیری روابط صحیح و منطقی بین آنها می‌شود و در نتیجه بین زوجین، شکاف و فاصله و افزایش سردی روابط عاطفی ایجاد می‌شود. نتایج مطالعه نشان داد که بین هوش معنوی و طلاق عاطفی، رابطه منفی و معناداری وجود داشت. این یافته با نتایج پژوهش‌های فوجی و همکاران (۲۲)، یعقوب زاده و همکاران (۲۳)، ماهونی و همکاران (۲۴) و چارلز و همکاران (۷) همخوانی دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت همان‌گونه که بهره‌های هوشی می‌تواند بر میزان ناسازگاری زوجین و طلاق تأثیر بگذارد، هوش معنوی هم در چگونگی ارتباط زوجین با هم و حل مسایل زندگی تأثیرگذار می‌باشد. ارتباطات زیادی بین معنویت و بهزیستی روانشناختی و سازگاری وجود دارد، ولی راهبردهای مقابله‌ای و روش‌های حل مشکل با استفاده از معنویت در واقع کاربردهای سازگارانه هوش معنوی می‌باشند، این ارتباط غیرمستقیم بوده و هوش معنوی به‌عنوان یک میانجی در این ارتباطات، نقش ایفا می‌کند. بنابراین با وارد کردن معارف الهی در شناخت ماهیت وجودی انسان و بعد روحی-روانی او و همچنین در نظر گرفتن عواملی که دین برای آرامش و اطمینان

قلبی مطرح می‌سازد، زندگی انسان از آرامش بالا و بالطبع کیفیت بالاتری برخوردار خواهد شد و موجب می‌شود که زوجین کمتر دچار طلاق عاطفی بشوند. همچنین افرادی که از هوش معنوی بالایی برخوردارند موقعیت‌های تنش‌زای زندگی و تعارض‌ها را کمتر آسیب‌زا و تنش‌زا درک کرده و یا در موقعیت‌های تنش‌زای زندگی، با توکل بر خداوند و احساس کردن حامی، کمتر دچار استرس و اضطراب می‌شوند و سازگاری زناشویی خود را حفظ کرده و کمتر دچار طلاق عاطفی خواهند شد.

از محدودیت‌های این پژوهش، کمبود مطالعات مشابه در این خصوص بود که امکان مقایسه نتایج این مطالعه را با سایر پژوهش‌ها با محدودیت مواجه می‌ساخت. همچنین با توجه به این که پژوهش حاضر در بین دانشجویان انجام شده است بنابراین در تعمیم نتایج آن به گروه‌های دیگر، باید احتیاط نمود.

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه نشان داد که سبک‌های هویت و هوش معنوی از عوامل تأثیرگذار در طلاق عاطفی دانشجویان می‌باشند. بنابراین می‌توان از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و تقویت برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها در زمینه‌هایی همچون آشنایی با سبک‌های هویت و چگونگی ایجاد هویت سالم و یکپارچه و نیز هوش معنوی و مهارت‌های برقراری ارتباط عاطفی از ایجاد و افزایش میزان طلاق عاطفی در بین زوجین دانشجویان جلوگیری کرد.

تشکر و قدردانی

این مقاله حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر در سال ۱۳۹۶ می‌باشد. (به شماره ۵/۶۹۸۹) بدینوسیله پژوهشگران از کلیه دانشجویان متاهلی که در پژوهش حاضر مشارکت کردند، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

References

- 1- Shoa Kazemi M, Seif S. Family therapy. Tehran: Pazinehpress, 2010 [Persian].
- 2- Sharafi M. Normal and equivalent family (the anatomy of family). Tehran: PTA Publisher, 2004. [Persian]
- 3- Roshani S. Emotional divorce: backgrounds and consequences. Thesis for Master degree. Faculty of Social and Economic Sciences. Alzahra University. Tehran, 2010 [Persian].
- 4- Liz S, Warren K, Anne B. The family (skills-based sociology). USA: Palgrave Publisher, 2012.
- 5- Olson DH, Defrain J. Marriage and families. New York: McGraw Hill, 2006.
- 6- Scanzoni J, Scanzoni LD. Men, women and change: Sociology of marriage and family. New York: McGraw Hill, 1988.
- 7- Charls G, John D. The influence of parenting styles on children cognitive development. Louisiana State University Center, 2011.
- 8- Erikson EH. Identity. Norton, 1968.
- 9- Berzonsky MD, Cieciuch J, Duriez B, Soenens B. The how and what of identity formation: Association between identity styles and value orientations. *Personality and Individual Differences*. 2011;50(2):259-99.
- 10- Berzonsky MD. Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. *European Journal of Developmental Psychology*. 2004;1(4):303-15.
- 11- Karimian N, Heidari H, Salari S. Explaining marital engagement of married women and men based on identity styles and fear of intimacy. *Journal of Counseling and Psychotherapy*. 2014;3(13):65-81. [Persian]
- 12- Mousavi SF. Comparison of identity styles and attitude towards love in anticipation of emotional divorce of married women and men in Qazvin city. *Women's Researches Center*. Tehran, 2012. [Persian]
- 13- Emmons RA. Is spirituality an intelligence? Motivation cognition and the psychology of ultimate concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*. 2000;10(1):3-26.
- 14- King D. Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model and measure applications of modeling in the natural and social sciences program. Trent University. Canada, 2008.
- 15- Elkins MR. Developing a plan for pediatric spiritual care. *Holistic Nursing Practice*. 2004;18(4):179-84.
- 16- Berzonsky MD. Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. In: GJ Neimeye, Neimeye R (Eds). *Advances in personal construct psychology*. Greenwich. CT: JAL, 1990.
- 17- Hejazi E, Farsi Nejad M, Asgari A. Identity styles and academic achievement: The role of academic self-efficacy identity. *Journal of Psychology*. 2007;11(4):394-413 [Persian].
- 18- King DB. The spiritual intelligence project. Trent University. Canada, 2007.
- 19- MashayekhiDolatabadi MR, Mohammadi M. Resilience and spiritual intelligence predictors of academic self-efficacy in urban and rural students. *Journal of School Psychology*. 2014;3(2):253-66 [Persian].
- 20- Bayat Mokhtari S. The effectiveness of group therapeutic reality therapy on reducing emotional divorce and its psychological consequences. Thesis for Master degree. Mashhad Ferdowsi University, 2013 [Persian].
- 21- Salayani F, AsghariEbrahimabadi M. Comparison of emotional divorce in introverted and outspoken individuals. Third conference on social workers of Iran. Islamic Azad University. Ghonabad: 3-4 september 2014 [Persian].
- 22- Fouji A, Naderi F. Relationship of social skills and religious beliefs with emotional divorce on client women referring to Ahvaz psychological consultant centers. *Journal of Culture and Woman*. 2016;7(27):23-36 [Persian].
- 23- Yaghoobzadeh A, Abbasi H, Hoseini H. The role of spiritual health and spiritual intelligence in predicting emotional divorce. First scientific conference on educational sciences and psychology of social and cultural damages in Iran. Center Islamic Studies and Research of Soroush Hekmat Mortazavi. Tehran: 18 March 2015 [Persian].

24- Mahoney A, Pargament K, Jewell T, Swank A, Scott E, Emery E. Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*. 1999;13(3):321-38.